

ارتقای جایگاه و منزلت زن در خانواده

لیلا حاجیان

چکیده

خانواده از دو رکن اصلی یعنی زن و مرد شکل یافته است که زن در این نهاد دو نقش اساسی و مهم همسری و مادری را بر عهده دارد.

از ابتدای خلقت، تکریم زن و توجه به جایگاه او مورد توجه بوده است که البته این جایگاه در طول تاریخ و در ادیان و ملل مختلف دچار فراز و نشیب هایی شده است و با ظهور اسلام احیا شد و به حد اعلای خود رسید.

عدم تکریم شخصیت زن، به امنیت و سلامت روان او آسیب زده و ممکن است دچار تزلزل شخصیت شده و از عهده وظایف مادری و همسری خود به خوبی بر نیاید از این رو جامعه دچار آسیب می شود چرا که زنان نیمی از جامعه بشری را شکل می دهند و بخش عمده تربیت نسل بر عهده آنها می باشد.

در دنیای کنونی که از زن به عنوان کالایی بی ارزش در صنعت تبلیغات و تجارت انسان، بهره برده می شود، متأسفانه شخصیت زن و جایگاه مادری و همسری او، بسیار کم رنگ شده است؛ از این رو محقق را بر آن داشت تا در بخشی از این مقاله به عوامل ارتقای جایگاه زن در خانواده، به روش تحقیقات بنیادی و توصیفی و توضیحی؛ و از لحاظ نوع جمع آوری مطالب از نوع تحقیقات کتابخانه ای و فیش برداری بپردازد.

واژگان کلیدی: زن، خانواده، مادر، تکریم، ارتقاء، مرد

مقدمه

خانواده کوچکترین و زیر بنایی ترین نهاد هر جامعه می باشد. هر چه این نهاد از استحکام و قوت برخوردار باشد، جامعه با آرامش و سلامت به سوی کمال پیش خواهد رفت. خانواده از دو رکن اصلی یعنی زن و مرد شکل یافته است که زن در این نهاد دو نقش اساسی و مهم همسری و مادری را بر عهده دارد و شاید بتوان گفت نقش زن در خانواده پر رنگ تر از مرد به نظر می رسد زیرا بخش عمده تربیت و پرورش نسل بشر بر دوش زن می باشد.

در طول تاریخ جایگاه زن دچار فراز و نشیب هایی شده است و در ادیان و ملل مختلف دیدگاه های متفاوتی به شخصیت زن و تکریم او وجود داشته است. با ظهور اسلام زن و شخصیت وجودی اش احیا شده و به عالی ترین حد خود می رسد تا جایی که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، جلوی پای دختر گرانقدر خویش از جای بلند می شود و ایشان را تکریم و احترام می کنند.

حال اگر زن از نظر شخصیتی، مورد تکریم و احترام قرار نگیرد و نیاز او به محبوبیت تامین نمی شود در انجام وظایف خطیر خود موفق نخواهد بود و نسل سالمی را نمی تواند تربیت کند همچنین حتی گاهی برای کسب محبوبیت و بازیابی شخصیت، به خودنمایی در جامعه روی می آورد و در نهایت به فساد در جامعه منجر می شود.

در دنیای کنونی که از زن به عنوان کالایی بی ارزش در صنعت تبلیغات و تجارت انسان، بهره برده می شود، متأسفانه شخصیت زن و جایگاه مادری و همسری او، بسیار کم رنگ شده است؛ از این رو بررسی جایگاه و منزلت زن در خانواده ضروری به نظر می رسد.

این نوشتار به روش توصیفی، توضیحی، به نقش کلیدی زن در خانواده و برخی از عوامل که در ارتقای جایگاه او مؤثرند، می پردازد.

۱- سرشت زن

آفرینش زن و مرد یکسان است و هر دو از یک منشأ هستند. آنها درباره استعدادهایشان مانند داشتن روح الهی، تسویه و هماهنگی در خلقت، ابزار ادراکی مختلف مثل شنوایی و بینایی و دل، فطرت الهی، وجدان و شناخت خوبی و بدی، حمل بار امانت و تکلیف و همچنین برخورداری از امکانات طبیعی و هدایت انبیاء دارای ابعاد مشترکی می باشند.ⁱ

در جهان بینی غیر الهی، حقیقت بشر پیکر مادی اوست که بریده از خالق هستی است و تنها در محدوده عالم طبیعت تحلیل و بررسی می شود. از آن جا که این پیکر مادی در دو جنس مخالف تجسم یافته است، برنامه ریزی ها و تعیین حد و مرز میان این دو جنس دچار مشکل شده است؛ چنان که در حمایت از زن و رفع مشکلات او گاه تئوری آفرینش "طفیلی" زنان و زمانی نظریه آفرینش اصیل او به عنوان "جنس برتر" مطرح می شود. ولی این همه کرامت انسانی زن را لگدمال کرده و او را از رسیدن به هدف غایی خلقتش باز داشته است. در جهان بینی الهی، ارتباط انسان با خالق هستی و پیوند او با عالم لاهوت، تحلیل می شود. انسان، حقیقت واحدی است که با اختیار و اراده خود، مسیر هدایت یا ضلالت را برمی گزیند و از اعلی علین تا اسفل السافلین در نوسان است. این هویت انسانی است که حامل ارزش ها و ضد ارزش ها، حق و باطل می شود و در این میان جنسیت به هیچ رو عاملی تعیین کننده نیست.ⁱⁱ

بسیاری از نقش ها و مسوولیت ها فقط از عهده زنان بر می آید و مردان توانایی انجام آن را ندارند و بالعکس. بنابراین جنس زن و مرد، با توجه به تفاوت های طبیعی و ناتوانی ها و محدودیت هایی که هر یک در تامین بخشی از خواسته ها و نیازهای خویش دارند و همچنین احساس نیاز متقابلی که می کنند، به طور طبیعی و هماهنگ با طبیعت وجودی خود، یار و مکمل یکدیگرند. بدین جهت در آموزه های دینی، از زن و مرد به منزله لباس یکدیگر یاد می کند.ⁱⁱⁱ

خداوند از جهت تکوینی و تشریعی شرایطی را پدید آورده است که زن و مرد هر کدام متناسب با ظرفیت و امکانات خویش راه سعادت را بیمایند؛ گرچه هدف واحد و مشترک است اما راه های رسیدن به کمال، با توجه به وظایف زن و مرد در مواردی متفاوت است.^{iv}

بنابراین هدف نهایی خلقت، عبودیت و بندگی است و انسان کامل کسی است که خالصانه عبد خدا باشد و هیچ تمیزی میان زن و مرد نیست.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند^v

۲- اهمیت تکریم منزلت زن

... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً

... و با آن ها بشایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوششان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می دهد.^{vi}

احترام و محبت در روابط خانوادگی، نقش بسیار مهمی در سلامت خانواده دارد و در نهایت به سلامت جامعه می انجامد. هر چه احترام و محبت به یکدیگر گسترده تر باشد، زندگی خانوادگی از لذت و رشد بیشتری برخوردار خواهد بود. طبق آیه ذکر شده، حفظ حرمت زنان و اظهار محبت به آنها، از توصیه های خداوند به مردان است زیرا تکریم و محبت نمودن، همچون چشمه زلالی است که سیرابی زندگی از آن است و این چشمه، مجاری مختلف می یابد که هر مجرا بارور کننده و رشد دهنده است.

قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و تربیت در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک، نیازمند جوشش پیوسته محبت و رحمت است و این جوشش زمانی مفید است که در صورت های گوناگون، خود را نشان دهد. زن و مرد با محبت همدیگر را کامل می کنند و زمینه تامین نیازهای یکدیگر و ادای درست حقوق هم را فراهم می سازند. زندگی با احترام و محبت به درستی پیش می رود و فشار و مشکلات زندگی، قابل تحمل می شود.^{vii}

۳- جایگاه زن در خانواده

آفرینش در طبیعت زن خصائصی نهاده که برای پذیرش نقش همسری و نقش مادری و پرورش فرزند همچنین اداره نظام خانواده از هر حیث مناسب است که هر دو نقش از اهمیت و جایگاه ویژه ای در خانواده برخوردار است.

۳-۱ نقش همسری

زن در نقش همسری فردی است اجتماعی، دوستدار شوهر و خود را مکلف به نیکی نسبت به او می‌داند همانگونه که مرد چنین وظیفه‌ای دارد. زن خوب صدیقی است فداکار که اساس زندگی را بر تفاهم و همکاری مسالمت آمیز قرار می‌دهد و خود را در قبال انجام وظایفش مسئول می‌داند. از مهمترین و اساسی ترین وظایف زن تامین نیازهای جنسی مرد و ایجاد و حفظ آرامش برای همسرش می‌باشد. ^{viii}

۳-۱-۱ آرامش

از کارکردهای اساسی خانواده، تأمین آرامش روانی همسران است.

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ...

و از نشانه‌های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میان تان دوستی و رحمت نهاد... ^{ix}

این آیه هدف از آفرینش همسران را دستیابی به آرامش معرفی کرده است. این هدف اهمیتی دو جانبه دارد زیرا افزون بر مطلوبیت نفسی و ذاتی آن، دستیابی به دیگر اهداف خانواده نیز تا حد زیادی در گرو برخورداری بودن همسران از آرامش روانی است. ^x

آرامش و سکون در زندگی زناشویی از آن جا نشأت می‌گیرد که این دو جنس، مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش هم می‌باشند؛ به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی به نظر می‌رسد که میان یک موجود و مکمل آن چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد که قرآن از آن با عنوان مودت و رحمت یاد می‌کند. مودت و مهربانی متقابل، دو محور بایسته زندگی مشترک قلمداد می‌شوند که تنها با محوریت آن دو، نیازهای عاطفی زن و مرد برآورده می‌شود و پیامد ارزشمند آن، تربیت صحیح فرزندان و بقای نوع بشر است. هنگامی که زن و مرد سرشار از محبت و مهربانی شدند، فرزندان خویش را نیز از این محبت سیراب کرده و در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی آن‌ها می‌کوشند. بدین سان نسل انسان با تربیتی شایسته، پایدار می‌ماند که البته اساسی ترین نقش در این زمینه بر عهده زن می‌باشد. ^{xi}

۳-۱-۲ ارضای غریزه جنسی

زن و شخصیت ذاتی او نیز غافل بوده و وظیفه زن را تنها خدمت کردن در خانه، تامین نیاز غریزی مرد و به دنیا آوردن فرزند می پندارند؛ از همین رو برخوردشان با همسر، همانند برخورد با اشیاء است.^{xxv}

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «ما أكرم النساء إلا كريم ولا أهانهن إلا لئيم بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند.»^{xxvi}

۵-۴ مشورت با زن

فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ...

و اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست...^{xxvi i}

طبق آیه بالا، زن و مردی که به وسیله طلاق پیوند زوجیت آنان گسسته شده است، مکلفند با یکدیگر مشورت نموده و بر اساس رضایت طرفین در مورد فرزندشان عمل نمایند. به طور مسلم زن و شوهری که زیر یک سقف زندگی می کنند باید در تمامی شئون خانواده مشورت کرده و با همدلی و تفاهم رفتار نمایند. با توجه به آیاتی که توصیه به مشورت با زنان نموده است در می یابیم، احترام به شخصیت زن و توجه به آرای او در مسائل مربوط به خانواده و فرزندان، مد نظر می باشد.^{xxvi ii}

۶-۴ محبت به شوهر

زنان به دلیل وظایف لطیف و ظریفی که نظام آفرینش بر عهده آنان نهاده است، از روان لطیف و عواطف سرشاری برخوردارند. هر مردی دوست دارد همسرش لطیف الطبع و با عاطفه بوده و با مهر و محبت خویش به زندگی حرارت و صفا بخشیده و غبار خستگی و ملالت را از بین ببرد. در پرتو عطف و محبت زن و برآوردن نیازهای عاطفی مرد، محبوبیت زن حفظ و حتی افزایش می یابد و باعث نشاط و دلگرمی در محیط خانواده می شود.^{xxi x}

۷-۴ کبر و غرور

زن وقتی کبر و غرور نداشته باشد و در مقابل شوهر، حسب و نسب و موقعیت خانوادگی خود را به حساب نیاورد، علم و دانش و مدرک را موجب سرافرازی حقیقی ننگرد، این تواضع به او کرامت و بزرگی بخشیده و موجب گرمتر و با صفا شدن محیط خانه می شود. تواضع محبت را جلب نموده و پیوند خانوادگی را محکم می کند. xxx

۸-۴ توجه به نیازهای جنسی

وصال و لذت جنسی علاوه بر از بین بردن شکاف ها و فاصله های ناشی از اختلافات زن و شوهر و نزدیک ساختن آنها به همدیگر، در استحکام و تقویت محبویت زن و بهره مندی خانواده از برکات آن، نقش موثری دارد چرا که خداوند سرشت زن را محبوب بودن قرار داده و برای حفظ و ریشه دار کردن موقعیت والای خود، او را در برابر این غریزه مقاوم تر از مرد و گوهر عفت و حیای او را چندین برابر مرد قرار داد تا به دنبال وصال همسرش نباشد و در نتیجه محبویت و شخصیتش آسیب نبیند بلکه این نیاز از طرف مرد مطرح شود. از طرفی مرد برای کام جویی، نیازمند جلب رضایت همسرش می باشد که مبتنی بر احترام و تکریم شخصیت زن است. xxxi

۵- نتیجه

در آفرینش، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و هر دو برای عبودیت و بندگی خلق شده اند و زن نیز مانند مرد دارای مقام و منزلت مساوی است؛ با این تفاوت که زن چون وظایف خاصی بر عهده دارد از فطرتی لطیف برخوردار است.

تکریم و احترام زن تأثیر بسیار مهمی در امنیت و سلامت روان جامعه دارد. اگر نیاز او به محبوبيت و احترام، در محیط خانواده برآورده شود از سویی برای تامین نیاز خود به خودنمایی در جامعه متوسل نمی شود و جامعه از فساد مصون خواهد بود و از سوی دیگر سلامت روانی او تامین می شود و به آرامش دست می یابد که متقابلاً این آرامش و سلامتی را به همسر و فرزندان خویش منتقل می کند.

مرد در کنار چنین زنی به آرامش و سکون که قرآن از آن به عنوان یکی از اهداف اصلی ازدواج یاد می کند، دست می یابد. همچنین فرزندان در کنار چنین مادری از تربیت پذیری بالایی برخوردار بوده و اهداف تربیتی محقق خواهد شد. بنابراین فساد زن موجب فساد جامعه و صلاح او موجب صلاح اجتماع و نسل بشر است.

پی نوشت

- ⁱ. حمید، کریمی، زن و مرد، تشابه، تساوی یا تناسب، چاپ اول، قم: هاجر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴.
- ⁱⁱ. فتحیه، فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.
- ⁱⁱⁱ. اسماعیل، چراغی کویتانی، خانواده، اسلام و فمینیسم، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳، ص ۲۶۵.
- ^{iv}. حمید، کریمی، زن و مرد، تشابه، تساوی یا تناسب، همان، ص ۱۱۸.
- ^v. ذاریات [۵۱] ۵۷.
- ^{vi}. نساء [۴] ۱۹.
- ^{vii}. عیسی، عیسی زاده، خانواده قرآنی، چاپ سوم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ص ۵۰.
- ^{viii}. علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیری، ۱۳۷۷، ص ۱۰.
- ^{ix}. روم [۳۰] ۲۱.
- ^x. حسین، بستان (نجفی)، خانواده در اسلام، چاپ دوم، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰، ص ۲۸.
- ^{xi}. فتحیه، فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، همان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.
- ^{xii}. اسماعیل، چراغی کویتانی، خانواده، اسلام و فمینیسم، همان، ص ۱۹۲.
- ^{xiii}. محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۶۶.
- ^{xiv}. علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، همان، ص ۱۷.
- ^{xv}. محمد رضا، سالاری، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، چاپ دوازدهم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۳، ص ۴۸.
- ^{xvi}. بقره [۲] ۲۲۳.
- ^{xvii}. ابوالفضل، بهرام پور، نسیم حیات تفسیر قرآن کریم، ج ۲، چاپ پانزدهم، قم: هجرت، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵.
- ^{xviii}. حسین، انصاریان، نظام خانواده در اسلام، چاپ بیست و هشتم، قم: انتشارات ام ایها، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳.

^{xix}. علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، همان، ص ۳۴.

^{xx}. منافقون [۶۳] ۸.

^{xxi}. محمدرضا، کوهی، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، قم: اتقان، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰، ۲۳۹.

^{xxii}. حسین، بستان (نجفی)، خانواده در اسلام، همان، ص ۷۸.

^{xxiii}. حسین، انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۳۷۲.

^{xxiv}. محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۵۴.

^{xxv}. محمدرضا، کوهی، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، همان، ص ۲۲۱.

^{xxvi}. ابو القاسم، پاینده، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: دنیای

دانش، ۱۳۸۲، ص ۴۷۲.

^{xxvii}. بقره [۲] ۲۳۳.

^{xxviii}. فتحیه، فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، همان، ص ۱۱۳.

^{xxix}. محمدرضا، کوهی، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، همان، ص ۲۳۰.

^{xxx}. حسین، انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۵۲۳.

^{xxxi}. محمدرضا، کوهی، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، همان، ص ۲۳۴.